

## چرا روحانیت را هدف قرار داده اند؟

این مقاله است که بگویم انقلاب ایران منابع قدرتهای غارتگر اعدای در تمام مطنه بخطر انداخته ، منابع معنی را از دست آنها گرفته ، و بازارهای فروش آنرا ریخت منزل ساخته است .

چرا که اگرما از تاثیر انقلاب ایران بر مناطق دور دست دنیا در دراز مدت چشم پوشیم ، هرگز تاثیر کوتاه مدت آن ، در سراسر خاورمیانه و خاور نزدیک نمی توانیم صرف نظر کنیم .

و آنچه به این موضوع ، و نیز با توجه به اینکه این منطقه از جهان ، عم از نظر اقتصادی و عم از نظر نظامی و سوق الجیشی فوق العاده حساس است ، دلیلی ندارد که قدرتهای جهانگر آرام بنشینند ، ناپایه های کاخ استعمارشان یکی بعد از دیگری فرو ریزد .

و باز جای تعجب نیست که در این میان اولین و سنگین ترین حملات خود را متوجه روحانیت آگاه و مبارز کند ، و بگویند از هر طریق شده ، روحانیت را از میدان بیرون سازند .

گرچه دلائل این حملات تا جواله در نامه شرح حال حساب شده ، کم و بیش روشن است ، اما اشاره به پنج نکته اساسی زیرالزام و ضروری می دانیم :

۱ - روحانیت آشتی ناپذیرترین

قشرهای رهبری بوده ، چرا که بر اثر طرز تفکر خاص اسلامی و همچنین بر اثر پیوند و دائمی با مردم بجهت نمیتواند راههای سازشکارانه و با هیچ قدرتی پیش نبرد و همیشه روی استقلال مملکت ، بعنوان يك کشور اسلامی ، که دفاع از آن وظیفه دینی هر مردوزن ، کوچک و بزرگ ، و هر جوان می باشد لازم می شود ، و همچنین دفاع از مردم این مرزوبوم را بعنوان دفاع از برادران و خواهران دینی خود از فتنه الهی میدانند ، حتی خود را در برابر غیرمسلمانانی که بعنوان يك اقلیت و فادار به رژیم اسلامی در این کشور زندگی می کنند مسؤول می بینند . يك روحانی هرگز نمی تواند بار خود را ببندد و به کشورهای غرب یا شرق سفر کند و در آنجا رحل اقامت بپنکند و یا قبول تابعیت کند ، بلکه مرده وزنده او باید در آب و خاک با ششونه خیر آن ، او یک ذره از خاک کشور اسلامی را بنام کشورهای شرق و غرب ترجیح می دهد و این یک دلیل سازش ناپذیری اوست و چون سازش ناپذیر است لیه حملات تیر دشمن در درجه اول متوجه اوست .

۲ - دلیل دیگر اینکه روحانیت پایگاه فوق العاده محکم مردمی دارد و تاریخ نشان داده که همیشه در کنار مردم بوده و خواهد بود همین دلیل نظام شاهنشاهی جبار ، تمام

اعزاب و قدرتهای دیگر را درهم کوبید و یا به الزوا کشید اما آنها سنگری را که نتوانست فتح کند سر روحانیت بود و سرانجام دیدیم از همین سنگر ، سهمگین ترین مبارزات ملت ما رهبری شد .

۳ - اصالت اسلامی تفکر روحانیت سبب می شود که او را از شرق و غرب از نظر ایستادگی و بیکی و هم از نظر سیاسی جدا کند و به مکتب سیاستی متوجه سازد که هیچگونه اتکاء به شرق و غرب در آن نیست در حالی که گروههایی را می شناسیم که هر چند در مبارزه در برابر رژیم سابق فعال و تلاش بودند اما نوعی اتکاء مستقیم یا غیر مستقیم بر قدرتهای شرقی و بیگانه داشته و دارند و لاف را گه هائی از اتکاء مکتبی و حتی سیاسی بر بیگانگان در اندیشه و عمل آنها بی چشم می خورد .

اما چنین چیزی هرگز در مکتب و اندیشه و عمل یک روحانی مبارز نمی تواند وجود داشته باشد همین دلیل هم غارتگران غرب با او مخالفت و هم متجاوزان شرق و هر دو بر او کوبیدن اودست بست هم داده اند .

۴ - روحانیت بطور خاص و مسلمانان راستین بطور عموم دو نوع مسئولیت در خود احساس می کنند يك مسئولیت ملی و میهنی و دیگر مسئولیت الهی که از آن هم مهمتر است بنا بر این دو نوع ضمانت اجرایی در فعالیتهاى مثبت آنها وجود دارد ، و بتعبیر دیگر با دو تربیت ملی و میهنی با دشمنان بکار می کند ، مخصوصاً با مدد گرفتن از اعتقادات عمیق اسلامی ،

توده های وسیع مردم را در زمان واحد بحرکت درمی آورد ، هر کس تا سرحد شهادت و مرگ افتخار آمیز .

همین دلیل تحمل روحانیت مبارز اسلامی برای دشمنان غیر ممکن است و بیا هر وسیله بتوانند در تضعیف او می کوشند .

۵ - از همه اینها گذشته ضربه های هولناکی که استعمارگران شرق و غرب در تاریخ گذشته از روحانیت مبارز خورده اند چیزی نیست که هرگز فراموش شود چرا که آنها هرگز به حرف و شعار قناعت نکردند و عملشان دادند که مرد میدانند و حریف روز مبارزه !

مجموع این جهات و جهات دیگر دلیل روشنی بر مخالفت آشتی ناپذیرانه روحانیت با روحانیت است و هم اکنون این مبارزه را شدیداً شروع کرده اند ، از مزارع ، از کارخانه ها ، و از همه مهمتر از مدارس و دانشگاه و این وظیفه ملت آگاه و مخصوصاً جوانان با ایمان و مبارز است که با شناخت نقشهای تخریبی دشمن مشت محکمی بر دهن باوه سرابان بکوبند ، بوطنه های دشمنان کشور ، دشمنان اسلام ، و دشمنان انقلاب را نقش بر آب کنند .

همه باید بدانند دشمن در حملات خود به روحانیت ، همه قشرهای ملت را هدف فرار داده هر چند ظاهر آن فقط روحانیت است و همین دلیل وظیفه تابود کردن این بوطنه برعهده همه است .